

کتابخانه
مکتب
۲۲۷۹ ۲۵۶



جریان‌شناسی و نقد بهائیت متأخر

www.ketab.ir

غلامرضا میناگر

عضو هیأت علمی دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (رحمه الله علیه)

سرشناسه:	میناگر، غلامرضا، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور:	جریان‌شناسی و نقد بهائیت متاخر/غلامرضا میناگر : ویراستار ادبی مریم قاسمی‌اردالی.
مشخصات نشر:	بروجرد: دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری:	۲۷۷ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۹۴۴۸۲-۱-۲
وضعیت فهرست نویسی:	فیبیا
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۲۴۲ - ۲۵۰
موضوع:	بهائیت
موضوع:	Bahai Faith
موضوع:	بهائیت -- تاریخ
موضوع:	Bahai Faith -- History
شناسه افزوده:	بهائیت -- عقاید
شناسه افزوده:	Bahai Faith -- Doctrines
شناسه افزوده:	دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)
رده‌بندی کنگره:	BP۳۳۰
رده‌بندی دیویی:	۲۹۷/۵۶۴
شماره کتابشناسی ملی:	۸۷۴۷۸۶۴
اطلاعات رکورد:	فیبیا
کتابشناسی:	



نام کتاب "جریان‌شناسی و نقد بهائیت متأخر"

نویسنده	دکتر غلامرضا میناگر
ویراستار ادبی:	مریم قاسمی‌اردالی
ویراستار فنی:	دکتر صادق شفیعی
تاریخ انتشار:	زمستان ۱۴۰۰
شمارگان:	۱۰۰۰
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۹۴۴۸۲-۱-۲
ناشر:	انتشارات دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)
نوبت چاپ:	اول
چاپ و صحافی:	آویژه
بها:	۶۰۰،۰۰۰ ریال
مرکز پخش:	کیلومتر ۳ جاده بروجرد - خرم آباد، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)
تلفن:	۰۶۶-۴۲۴۶۸۳۲۰

مسئولیت صحت مطالب کتاب برعهده نویسندگان است.

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

پیشگفتار

«ما كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ»؛
«هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند به او کتاب و حکم و پیامبری دهد، سپس او (از روی خواهش‌های نفسانی و جاه‌طلبی) به مردم بگوید به جای خدا، بندگان من باشید» (آل عمران: ۷۹).
«وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ»؛
«و هر کس از آنان بگوید: «من [نیز] جز او خدایی هستم»، او را به دوزخ کیفر می‌دهیم؛ [آری] سزای ستمکاران را این گونه می‌دهیم» (انبیاء: ۲۹).
قال رسول الله: «إِذَا ظَهَرَتِ الْمِدْعَةُ عَلَى الْعَالِمَانِ يَظْهَرُ عِلْمُهُ وَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»؛
«آنگاه که بدعت‌ها پدید آید بر عده‌ی دانشمند است که دانش خویش را آشکار کند و آنکه نکند، لعنت خدا بر او باد!»^۱

^۱ محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۵۴

پیشگفتار کتاب جریان شناسی و نقد بهائیت متأخر

پژوهش حاضر با عنوان «جریان شناسی و نقد بهائیت متأخر»، تألیف حجه الاسلام دکتر غلامرضا میناگر، در زمینه ابطال و ردّ دین‌واره بهائیت است. ایشان در این اثر، از یک سو، درصدد ترسیم ماهیت و هویت مخملی بهائیت بعد از «بهاءالله» است، که تماماً صیغه و سمت و سوی استعمار جهانی را به خود گرفته است، و از دیگر سو در مقام محتوا و چه در لسان تاریخ، نفیاً و اثباتاً به نفی و ردّ بهائیت متأخر پرداخته و به اثبات عقائد محکم و متین اسلام ناب و پاسخ‌گویی دفاعیاتی که تاریخ مسلمانان به روشنی از آن گواهی می‌دهد، اقدام نموده است.

نگاهی گذرا بر آثار و آرای استاد نشان می‌دهد زمینه‌های مطالعاتی ایشان گستره متنوعی را دربر می‌گیرد. عرصه‌های گوناگونی همچون: ۱. علم دینی، به‌ویژه علوم انسانی اسلامی، ۲. حکمت اسلامی، ۳. اندیشه‌ی سیاسی، پیشرفت و نقد تجدد، ۴. فلسفه‌ی معرفت دینی، هریک سهمی از قلم و قدم ایشان را به خود معطوف داشته است.

اثر حاضر، در قالب شش فصل به مباحثی چون: «فصل اول، بهائیت در گذر تاریخ»، «فصل دوم، مدعیات بهائیت متأخر»، «فصل سوم، علل تطور و تجدید نظرطلبی بهائیت متأخر»، «فصل چهارم، مقایسه بهائیت کلاسیک و بهائیت متأخر و بیان مشترکات هر کدام»، «فصل پنجم، مقایسه بهائیت کلاسیک و بهائیت متأخر و بیان مختصات هریک»، «فصل ششم، شیوه و استراتژی بهائیت متأخر در تبلیغ و گسترش و بازیابی خود»، پرداخته است.

گروه معارف دانشکده علوم انسانی

دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی ره

مقدمه نگارنده

بهائیت متقدم یا کلاسیک، همان بهائیت سنتی یا بهائیت مطلق است؛ بهائیتی که حسینعلی نوری ملقب به «بهاءالله» آن را تأسیس کرد و به مثابه دین جدیدی شکل گرفت که علی محمد شیرازی معروف به «باب» آن را وعده داده بود.

کتاب اصلی و ادعایی بهاءالله، کتاب اقدس است. این کتاب عمدتاً ناظر بر کتاب‌های آسمانی به‌ویژه قرآن کریم و حاصل جمع‌آوری‌هایی است که از کتاب‌های مقدس انجام داده است؛ همچنین در این کتاب از مباحث همه‌پسند خیلی یاد نشده و بیشتر مباحث به شکل سنتی مطرح شده است؛ بنابراین منظور از اصطلاح «متقدم»، همان سنتی بودن و تغییر نکردن و تأثیر نپذیرفتن از زمانه است. این اصطلاح در مقابل «بهائیت متأخر» (بهائیت مدرن) قرار می‌گیرد. اصطلاح «بهائیت متأخر» را مؤلف کتاب با توجه به ممیزه‌ها و مؤلفه‌های اندیشه بهائیت و عصر و آثار متأخر آن یعنی دوره‌های پس از بهاءالله به کار برده است؛ در این زمان، به تدریج بهائیان به ارزش‌های جهان مدرن گرایش کامل و توجه تام پیدا کردند و حیثیت خود را در گرو هم‌سویی با منافع استعمار دیدند؛ البته این ویژگی از زمان عباس آفندی، فرزند بزرگ بهاءالله (ملقب به عبدالبهاء)، پدیدار شد؛ در پی آمیزش با افکار مدرن و روشنفکر مابانه‌ای که طی سفرهای خود به کشورها داشت. از مهم‌ترین و بارزترین این سفرها، سفر او به اروپا و آمریکا بود. این سفر نقطه عطفی در تحول ماهیت فرقه بهایی در زمینه شعارهای بین‌المللی و جهانی محسوب می‌شود. براساس این تحول می‌توان واژه «متأخر» یا «مدرن» یا «جدید» را بر عنوان این فرقه افزود؛ زیرا پیش از این مرحله، این فرقه بیشتر یک انشعاب انحرافی از اسلام یا شاخه‌ای از متصوفه شناخته می‌شد و رهبران آن برای اثبات حقانیت خود در مواجهه با سایر مسلمانان به‌ویژه شیعه از قرآن و حدیث بهره می‌گرفتند و به آنها استدلال می‌کردند. مهم‌ترین متن احکام آنان نیز از حیث صورت با متون فقهی اسلامی تشابه داشت؛ اما فاصله گرفتن رهبران بهایی از ایران و مهاجرت به بغداد، استانبول و فلسطین و در نهایت ارتباط آنها با غرب، عملاً سمت و سوی این فرقه را تغییر داد و آن را از صورت آشنای دین‌های شناخته‌شده به‌ویژه اسلام تا حدود زیادی دور کرد. شاخصه‌های بیان‌شده به‌نوعی ادعای کتاب را در زمینه تحول و تغییر فرقه بهائیت مطلق یعنی فرقه ایجادشده به دست بهاءالله مستندتر می‌کند؛ در نتیجه وجه تسمیه کتاب را به دوره «مدرن» یا «معاصر» یا «متأخر» بهتر تبیین می‌کند.

عبدالبهاء در سفرهای خود سعی داشت تعالیم باب و بهاء را با آنچه در قرن نوزدهم در غرب با عناوین «روشنگری»، «مدرنیسم» و «اومانیزم» متداول بود، آشتی دهد؛ بهاءالله نیز در مدت اقامتش در بغداد با برخی از غربزده‌های عصر قاجار مانند «میرزا ملکم خان» آشنا بود و از گرایش‌های انحرافی این قبیل افراد بی‌بهره نبود. این مسلک انحرافی منفعت خود را در این اندیشه می‌دانست که پذیرا و مبلغ ارزش‌های مدرن ولو به صورت نمادین باشد.

«بهائیت متأخر» همان گونه که در تعریف آن بیان شد، ویژگی‌هایی متمایز از بهائیتی دارد که رهبر این فرقه در ابتدا ابداع کرده بود. این ویژگی‌ها پس از مرگ بهاء و در زمان عبدالبهاء شکل گرفت و در زمان شوقی افندی، فرزند دختری عبدالبهاء، تثبیت شد؛ هرچند ویژگی تظاهر به روشنفکری در افکار رهبر فرقه بهائیت نیز مشهود بود.

با مرور این ویژگی‌ها، مؤلف بر آن شد با افزودن صفت «متأخر» به بهائیت، بهائیت پس از بهاء با شاخصه مدرن بودن یا جدیدبودن و تجدید در انظار و آرا را از بهائیت زمان بهاء بیشتر متمایز کند. سعی کنشگران پس از بهاء تماماً بر این بود که وانمود کنند هیچ گونه تغییر و تحولی در دین بهاء به وجود نیامده است؛ اما به وضوح عملکردها تفاوت این دو تفکر را گزارش می‌کرد. آموزه‌های دوازده‌گانه جهان‌پسند یا مباحثی درباره خدا و نبوت در این فرقه مطرح شد که نمونه‌ای از تغییرات و دگرگونی‌هاست. به نظر می‌رسد بهاء سعی داشته تا مباحث الهیاتی را رعایت کند، ولی گاه چندان بی‌میل هم نبوده است که خود را به جای خدا سرپرست اغنام‌الله معرفی کند. در زمان‌های بعد یعنی عصر عبدالبهاء و شوقی، این مباحث کاملاً جدی گرفته و مقام بهاء با مقام خدای تعالی هم‌پایان تلقی می‌شود.

تبیین و ضرورت پژوهش

تبیین ابعاد فکری و فرهنگی بهائیت نه به مثابه یک جنبش مذهبی، بلکه به مثابه یک مسلک انحرافی ضروری است. مؤلف بر آن است به چنین وظیفه خطیری جامعه عمل ببوشاند تا افزون بر تبیین فکری و فرهنگی این فرقه، پاسخ‌هایی را در رد آن به مخاطبان ارائه دهد؛ فرقه‌ای که دستخوش تحولات و تطورات عدیده‌ای شده و گاه در بسیاری جهات از اصول و مبانی ناقص خود فرسنگ‌ها فاصله گرفته است. این فرقه اساساً هیچ گونه شباهتی به دین یا مذهب ندارد و به مثابه یک فرقه یا به بیان بهتر، یک مسلک کاملاً بدعت‌گذار و باطل و مورد حمایت استعمارگران معرفی می‌شود.

پیشینه پژوهش

آثار متعددی درباره بهائیت وجود دارد که بیشتر بهائیت را از جنبه اعتقادات بررسی و فقط به پاسخ دادن و رد این اعتقادات اکتفا کرده‌اند؛ کتاب محاکمه و بررسی در تاریخ و عقاید و احکام باب و بهاء از ح.م.ت، بی‌تا، در این دسته قرار می‌گیرد.

دسته دیگری از منابع، نوشته‌های مخالفان یا تجدیدنظرطلبان این فرقه است که با نگرش انتقادی به این حرکت توجه کرده‌اند؛ کتاب فلسفه نیکو نوشته حسن نیکو نمونه‌ای از این آثار است.